

سراج التواریخ

قسمت سوم

(ذکر مجملی از احوالات اعلیحضرت) (احمد شاه که قبل از سلطنتش رو داده است^۱)

و آن اینست که نیاکان احمدخان متوطن و متمکن ملتان بوده و ولادت وی در آنجا رو نموده و از سبب بعضی حوادث در کودکی با پدرش محمد زمانخان در قندهار و از آنجا وارد هرات گردیده مسکن گزیده و بعد از چندی با ذولفقار خان برادر خود گرفتار قید غلجائیان شده در قندهار زندانی بوده تا که اعلیحضرت نادرشاه افشار قندهار را مسخر کرده ایشان را از محبس برآورده مورد الطاف و وجه مؤنت شان را باندازه کفاف معین فرموده مأمور اقامه مازندران نمود و احمد خان بملازمت رکاب نادری اختصاص یافته خدمات شایسته بتقدیم همی رسانید و همواره بحضور اعلیحضرت نادرشاه می بود و او از وی بسی رضامندی و خورسندی می نمود چنانچه در اکثر مجالس بار عام به امراء و ندما می گفت که در ایران و توران و هندوستان مردی چون احمد خان حمیده خصال و پسندیده افعال ندیدم و او را با سه چهار هزار سوار از طائفه ابدالی که حال معروف به درانیست از خیمه و سرپرده خویش کنار نمی فرمود و از آنجا که آثار بزرگی از چهارش ظاهر بود روزی اعلیحضرت نادرشاهش پیش خوانده بوی گفت که نشان سروری از جبهه ات هویداست و پس از من بر سریر حکمرانی خواهی نشست اینرا گفته گوش او را بیاد داشت قول خویش بدست خود مالش داد و گفت که پس از من رعایت حقوق مرا نموده با اولادم برفق و مدارا سلوک نمائی و آخر الامر بسبب (ارباب الدول ملهمون) چنان شد که اعلیحضرت نادرشاه گفته بود.

(ذکر سلطنت اعلیحضرت احمدشاه) (سدوزائی شعبه درانی)^۲

آنگاه که بر اعلیحضرت نادرشاه از سبب مکحول نمودن فرزندش رضاقلی میرزا خوف و غضب مستولی گشته هر روز احاد و افراد قلزباشیه و افشاریه را بقتل می رسانید مردم ازین کردار او رنجیده خاطر شده اقوام خود او با علی قلی خان بن ابراهیم خان برادرش که حکومت هرات داشت سازش کرده مستعد و آماده قتل او شدند و در هنگامیکه موضع فتح آباد واقع دو فرسنگی خبوشان از مضافات مشهد مقدس اردوگاه اعلیحضرت نادری بود در شب یکشنبه یازدهم ماه جمادی الآخر سال (۱۱۶۰) هزار و یکصد و شصت هجری محمدخان قاجار ابروآنی و موسی بیگ ایرلوی افشار ارومی بصلاح صالح خان قرقلوی ابیوردی و محمد قلیخان افشار ارومی کشکچی باشی و غیره جمعی از کشکچیان دائمی که پاسبان سرپرده اعلیحضرت نادری بودند بوقت نیم شب داخل خوابگاه او شده سرش را بریده در اردو انداختند و درین حالت یکی از خدام حرم اعلیحضرت نادرشاه احمد خان را ازین قضیه آگاه نموده او با سه هزار سوار از دسته ابدالی و سوار اوزبکیه تن بصلاح آراسته تا بامداد پاسداری حرم شاهی را کرده و صباح هنگام با گروهی از اوباش قزلباش و اشرار افشار که دست بتاراج اموال پادشاهی کشوده بودند در آویخته ایشان را هزیمت داد و مال و منال همه را بتصرف آورد و بانوی حرم اعلیحضرت نادرشاه بجایزه این خدمت از دو قطعه الماس که بکوه نور و دریای نور معروف و مشهور و از محمدشاه کورگانی به اعلیحضرت نادرشاه رسیده و در بازو بند حرمش می بودند کوه نور را با یکدانه فخرآج بی نظیر به احمد خان عطا نمود و احمدخان با سواره افغانه ابدالی راه قندهار برگرفته و متعرض حاکم و شهر هرات نشده وارد نادرآباد قندهار گشت^۳ و باستصواب آرای بزرگان طوایف ابدالی خصوصاً حاجی جمال خان بارکزائی که بقوت و مکنت از همه برتری داشت کلاه سروری بر سر نهاد و درینحال صابرشاه نام فقیری گیاه سیزی را بعمامه اش نصب کرده گفت این جیغه تست و تو پادشاه دورانی و ازینجا اعلیحضرت احمد شاه اقوامش را که معروف بابدالی بودند بدرانی موسوم ساخت و بر تخت سلطنت نشسته بامور جهانبنایی پرداخته بگی خان بامیزائی را بلقب شاه ولیخان اشرف الوزراء و منصب وزارت سرافراز نموده سردار

^۱ بقرار بیان صاحب کتاب تاریخ احمدی^۲ از قرار نوشته تاریخ جهانکشی ری^۳ بقرار نوشته صاحب کتاب تاریخ سلطانی

جهان خان فوفلزائي را بخطاب خان خانان و ميرزن و منصب سپهسالاري و شاه پسند خان را بامير لشکر نامور فرمود و همچنين هريك از اعيان طوايف دراني را فراخور حال بمنصب و خدمتي سربلند گردانيد و از اتفاقات حسنه در چنين وقت که اعليحضرت احمدشاه اعلان سلطنت نمود تقی خان اخته بيگي از سرداران اعليحضرت نادري با نواب ناصر خان حاکم کابل و پشاور ماليات چندساله هردو مملکت را که بیست و شش کرور روپيه بود حمل داده براي اعليحضرت نادرشاه مي بردند وارد قندهار شدند و اعليحضرت احمدشاه اين گنج رايگان را از عطايي حضرت يزدان دانسته ضبط کرد و ناصرخان چند روز نظر بند گردیده آخرالامر بارياب حضور اعليحضرت احمد شاه شد و پس از چندي بحکم او وبقولي از قندهار گريخته در پشاور رفت و افواج مقيمه اطراف و نواحي آنجا را فراهم آورده مصدر شورش گردیده تاخت و تاز آغاز نهاد و طبل خودسري باواز در آورد.

(ذکر سکه و مهر اعليحضرت احمدشاه) (و توجه او بجانب کابل و پشاور)^۴

چون اعليحضرت احمدشاه آن نقدینه باد آورد را مالک شد همه را کداخته بنام خویش مزین و بدین بیست مسبع و مروج گردانيد

حکم شد از قادر بیچون به احمد شاه * * سکه زن بر سیم و زر از پشت ماهي تا بماه

و در خاتم خود این عبارت را نقش فرمود (الحکم لله يا فتاح) احمد شاه دراني و صورت مهرش را طاوسي شکل مدور و مطول کردن صراحي نما ساخته فرامین و احکام بدان شرفیاب گردید و پس از انتظام مهام قنادر و نظم و نسق امور آن دیار بعزم کشور کشائي و تنبيه ناصر خان با لشکر شایان قندهار روي تسخیر بسوي کابل و پشاور آورده وارد غزنین شد و حاکم آنجا که از طرف اعليحضرت نادرشاه مأمور حکومت بود بمحاربه برخاسته مغلوب گشت و اعليحضرت احمد شاه حکومت غزنین را بيگي از معتمدین خویش مفوض داشته خود راه کابل پیش گرفت و حاکم کابل که دست نشانده ناصر خان بود تاب مقاومت در خود ندیده جانب پشاور فرار نمود و اعليحضرت احمدشاه داخل ارگ کابل شده از تنظیم و تنسيق امور نزدیک و دور این ولایت جیش بجانب پشاور بجنبش در آورد و هنوز لشکرش در راه و جاده پيما بود که ناصر خان مستعد جنگ شده نخست آهنگ قتال عبدالصمد خان محمدزائي که عمده زمین داران پشاور و رئیس ملک دو آب و اشغرن یا هشت نگر واقع شانزده گروهي جانب شمال پشاور بود کرده بر سر او تاخته محاربه خفیفی رو داده عبدالصمد خان که توجه اعليحضرت احمدشاه بجانب پشاور آگاه گردیده بود از دوآبه گریخت روي امید بسوي اردوي او آورد و ناصرخان اکثر از بازماندگان او را بقتل رسانیده جانب پشاور مراجعت کرد و عبدالصمد خان بقرب جلال آباد بلشکر سردار جهانخان خان خانان و سپهسالار که مقدمه الجیش بود ملحق گشته همراه او روانه پشاور شد و آنگاه که بنزدیک پشاور رسیدند ناصرخان نیروي مقاتلت در خود ندیده از پشاور گریخته و از معبر اٹک گذشته در ملک هزاره چچ پناه برد و اعليحضرت احمدشاه که عزم تسخیر پشاور داشت بدون رزم متصرف شده آن قدر درنگ فرمود که سران ملک و سرداران اقوام افغانه نواحي و اطراف پشاور بارياب حضور وي گشتند و سر بر خط فرمان نهاده مطیع و منقاد گردیدند و در خلال رتق و فتق امور مهمه محال پشاور سردار جهانخان سپهسالار را با لشکر کافي بتعاقب ناصرخان نامزد فرمود چنانچه مشارالیه در حينیکه اعليحضرت احمدشاه در انتظام مهام پشاور و اطراف آن اشتغال داشت راه هزاره چچ بر گرفته و از نهر اٹک عبور کرد و ناصر خان را پاي ثبات لغزیده از آنجا نیز فرار کرده در لاهور قرار گرفت و مال و منالش بتصرف لشکر پادشاهي در آمده سردار جهانخان بهمین قدر اکتفا کرده رايه مراجعت بجانب پشاور افراشت و بعساکر شاهي ملحق گردیده فیضیاب رکاب ظفر انتساب شد و اعليحضرت احمدشاه درین یورش بضبط و ربط ولایاتیکه اعليحضرت نادرشاه از مملکت هند جدا و ضمیمه ممالک مقبوضه خویش کرده بود اکتفا نموده همه ولایات را منظم و در هر جا شخص متعمدي را مأمور فرمود با قدری از لشکر استحکام داد و با بقیه اردو جهت انجام بعضي مهام از پشاور روي مراجعت بسوي قندهار نهاد و پس از ترتیب امور و تنظیم نزدیک و دور باز عزم تسخیر لاهور را تصمیم داده رو براه نهاد.

(ذکر یورش دوم اعليحضرت) (احمدشاه بجانب لاهور و هند بتائید آله)^۵

⁴ بقرار مندرجه آتشکده آذر

⁵ بقرار نوشته صاحب کتاب تاریخ سلطاني

⁶ بقرار بیان خزانه عامره و تاریخ احمد و تاریخ سلطاني

د پايو شميره: له ۲ تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرو مخکې په خیر و لولی

این دفعه در سال هزار و یکصد و شصت و یک بقصد تسخیر لاهور و هند از قندهار با سی هزار سوار جرار و پیاده کارزار براه کابل و پشاور رهسپار آندیار گشت و آنگاه که از رود اتک و جیلیم در گذشته بنواحي لاهور رسید میرپهلوی مخاطب به شهنواز خان بن زکریا خان ناظم لاهور که قبل از نزدیک شدن اعلیحضرت احمدشاه در آنجا از عزم و حرکتش آگاه گشته از اعلیحضرت محمد شاه کورگانی کمک خواسته بود و تا این وقت که اردوی اعلیحضرت احمدشاه در نواحي لاهور رسید اختر اقبال ناظم لاهور از حسیض وبال بر نیامده پرتوی بر گونه احوالش بینداخت لاجرم از عدم نیروی مقاتلت تاب مقاومت در خود ندیده از لاهور بجانب شاهجهان آباد گریخت و اعلیحضرت احمدشاه با سپاه داخل شهر لاهور شد واضح اقوال اینکه میرپهلوی حیات الله خان ملقب به شهنواز خان بواسطه وزیر الممالک قمر الدین خان خالوی خود از دارالخلافه امداد طلبیده خود با لشکر لاهور بعزم مدافعه بیرون شده کنار نهر چناب را عسکرگاه ساخت و اعلیحضرت احمدشاه با ده هزار سوار بوقت طلوع صبح کاذب ایلغار کرده از گذریکه چند فرسنگ از هردو لشکرگاه دور و منحرف بود گذشته روی تسخیر بسوی لاهور آورد و شهنواز خان ازین رشادت اعلیحضرت احمدشاه لب حیرت بدنند گزیده تمام ساز و برگ خویش را گذاشته با چند تن از خاصانش راه فرار بجانب شاهجهان آباد دهلی پیش گرفت و بامدادان لشکریانش از گریختن وی آگاه گشته خواستند که راه گریز برگیرند که اعلیحضرت احمدشاه در رسید و همه احوال و افعال اردویش را با تویخانه و قورخانه متصرف شده افواج او جریده جان و کسسته عنان افتان و خیزان رهسپار وادی حرمان شدند و اعلیحضرت احمدشاه روز دیگر با بقیه لشکر که نیز از نهر گذشته بودند داخل لاهور شد و از متصرف شدن لاهور و بدست آمدن اسباب و ادوات نامحصور بسی بر مکتب و حشمتش افزود و همه راجگان و لایات پنجات حاضر آمده فیض رکاب بوسی حاصل کردند و از آنسوی اعلیحضرت محمد شاه کورگانی که اعلیحضرت احمدشاه پسر خود را با وزیر الممالک قمر الدین خان اعتماد الدوله و نواب ابو منصور صفدر جنگ و غیره امراء و راجگان صوبه اجمیر که تعداد همه سران سپاه بدو صد و پنجاه تن منتهی می شد و لشکر آراسته چنانچه از پیش رقم شده آمد بالتماس میرپهلوی حیات الله خان مخاطب شهنواز خان بعزم مدافعه و مقابله اعلیحضرت احمدشاه درانی از شاهجهان آباد گسیل فرمود بوده و بعد از براه افتادن لشکر مذکور کبری سنگه راجه جیپور و زمینداران سهرند چون جمال الدینخان تالپوری و رای کله زمیندار چکر و انواله و سنگه جیت زمیندار پتیا له و غیره بفرمان اعلیحضرت محمد شاه داخل اردوی شهزاده شدند و هم عبدالله خان و فیض الله خان پسران علی محمد خان رو هیله حاکم سهرند که بطریق یرغمال در شاهجهان آباد بودند بهمراکابی وزیر الممالک قمر الدین خان اعتماد الدوله مامور گردیده راه دفع اعلیحضرت احمدشاه بر گرفتند و شهزاده با افواج ملتزمه رکاب خویش همراه همی پیمود که شهنواز خان ناظم لاهور از راه فرار باردوی شهزاده ملحق گردیده مغلوبیت خویشتن و صولت و شجاعت دلیران لشکر شکن افاغنه را از راهیکه او را بجین و بددلی و بیعقلی منسوب نسازند چنان شرح داد که از مبالغه وی سران لشکر دولت کورگانی بهراس و تزلزل افتاده و از جانب دیگر علی محمدخان رو هیله حاکم سهرند نیز از هیبت و سطوت اعلیحضرت احمدشاه سهرند را ترک کرده راه گریز بر گرفت و از دریای جون عبور کرده براه سهارنبیور روانه انواله و بسولی کر وطن خویشتن شد و از وقوع این سانحه رعب امرای کورگانی افزون تر شد وزیر الممالک قمر الدینخان اعتماد الدوله عیال و احوال و اثالیکه با خود داشت از بیم لشکر افغان بسهرند فرستاده هر دو تن پسران علی محمد خان مزبور را که در شاهجهان آباد بسبیل یرغمال بودند و چنانچه رقم گشت با خود آورده بود نیز بجای پدرش شان بحراست سهرند و حمایت عیال و اموال خویش گماشت و خود با شهزاده و افواج سواره و پیاده باهنگ جنگ از سهرند گذشته در کنار نهر ستلج بگذرگاه باحی واره فرود آمده عسکرگاه ساختند و اعلیحضرت احمدشاه اردوگاه او را معاینه کرده با سی هزار سوار جرار که با خود داشت براه لودیانه که منحرف از لشکر شهزاده بود عزم سهرند کرده روز سیزدهم ربیع الاول سنه ۱۱۶۱ هزار و یکصد و شصت و یک هجری داخل سهرند شده شهر را غارت کرده هر که را دست بشمشیر برد بکشت و پسران علی محمد خان رو هیله را با عیال و اموال وزیر الممالک قمر الدین خان که در آنجا فرستاده بود و دیگر غنایم و افره بدست آورد و شهزاده ازین قضیه واقف گشته از کنار نهر ستلج روی بسوی سهرند آورده فوج شرقی و غربی و فوج غربی شرقی شد و از روز پانزدهم ربیع الاول تا روز بیست و هشتم ماه مدت چهارده روز در موضع مالوپور آتش قتال در اشتغال و رایات حرب استوار بود و در روز جمعه بیست و دوم ماه که روز هشتم مقاتله بود گلوله توب بخیمه که قمر الدین خان وزیر الممالک نماز جمعه را در کنار آن گذرانیده سرگرم وظیفه بود رسیده هلاکش ساخت و ازین قضیه راج کسری سنگه پسر جیسنکه سوائی را با دیگر راجگان اجمیر که دوازده هزار سپاه در تحت رایت داشتند کمر همت بر شکسته پشت بجنگ دادند و هر یک از راه هزیمت رو بسوی مقام خویشتن نهادند و باجود این دو رخنه بزرگ که کشته گشتن وزیر الممالک و پراکنده شدن دوازده هزار مرد پیکار از معرکه کارزار بودند و بحصار استواری شهزاده رخ نمودند پای استقامت شهزاده نلغزیده باتفاق

7 سهرند : حال مشهور به سهرند

8 سهارنبور : سارنبور

د پانو شمیره: له ۳ تر 5

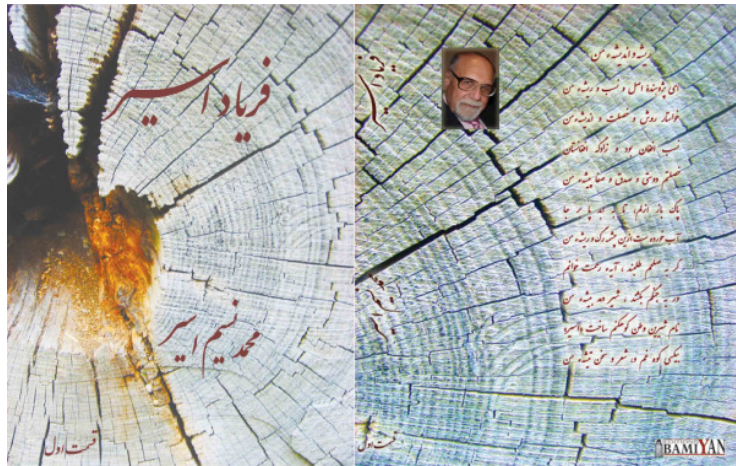
افغان جرمن آنلاین په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولۍ. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولۍ

معین المملک و دیگر پسران صفدر جنگ وزیر مردانه در محاربه بکوشید تا که از عوارض غریبه حادثه بلشکر اعلیحضرت احمدشاه احمدشاه درانی رخ داد و آن چنین بود که چند عراده بان^۹ از لاهور بدست آورده درین حربگاه با خود داشتند در عین گیر و دار آنها را بروی کار آوردند لیکن از بی وقوفی و عدم مهارت رو بسوی خود آتش دادند و بهمراهان خویش راه قتل و جرح کشادند و از صدور این واقعه با اینکه آثار فتح از دم شمشیر افغانه آشکار بود انکساری بیازوی اقتدار شاه درانی رخ نموده دانست که کاری از پیش برده نمی تواند برد لاجرم از راه دوربینی صلح اختیار کرده دست از کارزار کشیده و نهر سند را حد فاصله دولتین قرار داده از راه پشاور و کابل بقندهار مراجعت کرد و شهزاده نیز راه شاهجهان آباد بر گرفته معاودت کرد و اعلیحضرت محمد شاه کورگانی نظر بجان فشانای قمر الدینخان وزیر الممالک و استواری و پایداری میر منو معین الملک مفوض فرموده خودش یک ماه پس از انعقاد رشته مصالحه و فیصله دعوی پرورد جهان فانی کرده مدار ایقا شتافت و شهزاده در عرض راه از فوت پدرش آگاه گشته با دل سوگوار داخل شاه جهان آباد شد و پس از طی بساط تعزیت بر تخت سلطنت جلوس فرموده صفدر جنگ را وزیر خویش قرار داد.

ادامه دارد

جدیداً از طبع برآمده :



فریاد اسپیر

نگارنده	:	محمد نسیم اسپیر
مجموعه شعری	:	قسمت اول
صفحه بندی و صحافت	:	تورپیکي عزیز
امور دیزاین و کمپیوتری	:	عارف عزیز "گذرگاه"
عکس پستی و دیزاین	:	احمد اسپیر
تایپ و امور کمپیوتری	:	محمد قسیم کریم
تعداد صفحات	:	۴۴۰ صفحه
قطع	:	۱۸ سانتی / ۲۵ سانتی
مطبعه	:	« انجمن فرهنگ افغانستان »
لیموژ - فرانسه		
انتشارات بامیان		

^۹ بان: بلفظ هندی چیزبست که بباروت پر کرده بمدد آتش برفوج مخالف اندازند و آن بشکل هوایی باشد که آتش بازي معروفست ، از غیاث اللغات چنانچه در لفظ اهالی فرنگ راکت می گویند.

د پائو شمیره: له ۴ تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکني د لیکنيزې بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولۍ

اخيراً اولین مجموعه قطور اشعار آبدار استاد سخن و فخر الشعراى وطن، جناب محمد نسيم " اسير"، زیر عنوان "فرياد اسير" در انتشارات باميان واقع " ليموژ " فرانسه از چاپ برآمده و در دسترس ذوقمندان و عاشقان دُر درى قرار گرفته است. اين اثر ناب و كتاب مستطاب كه در ۴۴۰ صفحه با قطع و صحافت زيبا به نشر رسیده است، اضافه از ۷۵۰ پارچه نغز را احتواء ميكند.

اين كتاب زيبا را از آدرس هاي ذيل بدست بياوريد:

محمد نسيم اسير

Nasim Aseer
Paquetstr.22
60431 Frankfurt/M Germany
00-49-69-58 70 09 39
Email : nasimaseer@yahoo.de

طبع كتابهاي شما
توسط مطبعه ديزيتال
به كيفيت عالي و قيمت مناسب
انجمن فرهنگ افغانستان
انتشارات باميان



Les Editions Bamiyan
18 rue Rhin et Danube
87280 Limoges-France
Tel : 00 33 (0) 555 35 96 01
Fax :00 33(0) 519 578 419
Email : cultureafghane@free.fr
<http://www.cultureafghane.org>

د پايو شميره: له ۵ تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همكاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه كړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليكني د ليكنيزي بني پازوالي د ليكوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليكنه له راليرلو مخكي په خير و لولئ